

## قطعنامه کنگره هشتم حزب کمونیست ایران

### در باره موقعیت جنبش چپ و جنبش سوسیالیستی ایران

#### و رؤس وظایف ما

در شرایط کنونی تداوم بحران سیاسی و مفتوح ماندن سرنوشت قدرت سیاسی در آینده ایران از یک طرف، و شرایط نوین مبارزه طبقاتی که ریشه در تغییر و تحولات سیاسی و اجتماعی دو، سه دهه اخیر در سطح ایران و جهان دارد، چپ رادیکال و انقلابی ایران علل العموم و جنبش سوسیالیستی طبقه کارگر را در موقعیت ویژه ای قرار داده است. این واقعیات دو سطح از وظیفه را در مقابل ما بعنوان یکی از نیروهای جنبش کمونیستی ایران قرار می دهد.

۱

#### همکاری، هماهنگی، اتحاد عمل و تشکیل قطب سیاسی چپ

تداوم بحران سیاسی کنونی در پایه ای ترین سطح ناشی از وجود دو عامل اساسی است. رژیم جمهوری اسلامی اگر چه در طی بیش از دو دهه توانسته حاکمیت سرمایه داری ایران را با اعمال دیکتاتوری و خونین ترین سرکوب ها به جامعه تحمیل کند، اما از آنجا که اولویت سرکوب انقلاب را در دستور کار داشت و می بایست پایه های اقتدار خود را بر ویرانه های یک انقلاب برپا کند و به دلیل ساختارهای سیاسی، حقوقی و قضایی و روبنای مذهبی آن، نتوانسته است آنچنان که مطلوب سرمایه داری ایران است منافع بخشهای مختلف بورژوازی ایران را به یکسان تامین کند و این واقعیت تا هم اکنون هم موجودیت و گوناگونی اپوزیسیون بورژوازی ایران را توضیح می دهد.

از طرف دیگر جمهوری اسلامی و بورژوازی ایران خود را با جنبش کارگری و دیگر جنبش های رادیکال اجتماعی که برای تحقق خواستها و مطالبات خود مبارزه می کنند رودررو می بیند. تاکنون رژیم جمهوری اسلامی و بورژوازی ایران علیرغم تمام تلاشهایشان نتوانسته اند این جنبش ها را به کنترل خود در آورند و آنها را از ماهیت انقلابی خود تهی کند.

این اوضاع دو جبهه متضاد طبقاتی را که در مبارزه و جدالی آشکارا و نهان برای شکل دادن به آلترناتیو قدرت سیاسی بسر می‌برند را در صحنه سیاسی ایران فعال کرده است. اگر لیبرالیسم بورژوازی ایران با انکا به امکانات رسانه‌ای و تبلیغاتی وسیعی که در اختیار دارد و با بهره‌مندی از هژمونی نئولیبرالیسم در سطح جهان در تلاش است که جمهوری اسلامی را در جهت پاسخگویی به بحران موجود اصلاح و یا با آلترناتیو مورد نظر خودش جایگزین کند، آلترناتیو سوسیالیستی و کارگری هم در بطن جنبش‌های اجتماعی موجود استراتژی طبقاتی خودش را تعقیب می‌کند و در تلاش است تا ضمن تحقق خواسته‌ها و مطالبات این جنبش‌ها با انکا به نیروی مبارزاتی کارگران و توده‌های تحت ستم جامعه، افق‌های خود را بر این جنبش‌ها و بر کل جامعه بگستراند و سرانجام جدال قدرت را به نفع جنبش طبقاتی خودش فیصله دهد.

اما این واقعیت که در جبهه کارگران هنوز با فقدان شکل‌های طبقاتی و توده‌ای کارگران روبرو هستیم و جنبش چپ ایران علیرغم نفوذ و وجهه اجتماعی که دارد نتوانسته به نسبت نیرویی که دارد در صحنه سیاسی ایران ایفای نقش کند، تلاش عملی برای شکل دادن به یک همکاری وسیع سیاسی و ایجاد یک قطب سیاسی از طیف چپ رادیکال و انقلابی را به یک ضرورت سیاسی تبدیل کرده است. با ایجاد و فعال شدن چنین قطبی جایگاه و اثرات فعالیت چپ ایران بر روندهای موجود در جامعه می‌تواند بسیار برجسته‌تر از آنچه‌ی باشد که تاکنون بازتاب یافته است. این طیف چپ رادیکال در خارج از کشور هم نیرومندتر از آنچه‌ی است که تاکنون در فعالیت‌ها و آکسیونهای خارج کشوری خود را نشان داده است.

همکاری ما با طیفی از نیروهای متشکل در اتحاد نیروها و فعالین چپ و کمونیست بر چنین ارزیابی و درکی از اوضاع سیاسی ایران استوار بوده است.

این طیف چپ در این راستا علیرغم اختلافاتی که دارد می‌تواند بر محور تقویت مبارزات کارگری و جنبش‌های توده‌ای در ایران همکاری‌های وسیع سیاسی را سازمان دهد و پیش‌برد. همکاری عملی و وسیع در جریان محکومیت کشتار کارگران صنایع مس خاتون‌آباد، و کمپین پشتیبانی از دستگیر شدگان اول ماه مه شهر سقز نمونه‌هایی هستند که می‌توان تجارب آنها را بکار گرفت. این نوع اتحاد عمل‌ها می‌تواند، به حضور

سیاسی و قدرتمند چپ در داخل و خارج ایران کمک کند، بر توازن قوای طبقاتی به نفع جبهه کارگران ناآثیر بگذارد، و جنبش سوسیالیست کارگری را نیز در موقعیت بهتری برای پیگیری اهداف طبقاتی و استراتژیکی خود قرار دهد.

## ۲

### ایجاد یک قطب سوسیالیستی کارگری

اما اگر روند اوضاع سیاسی در ایران و ضرورت تغییر توازن قوا به نفع جبهه رادیکال و چپ در جامعه تلاش برای شکل دادن به یک قطب نیرومند سیاسی چپ را به یک ضرورت سیاسی مبرم تبدیل کرده است، از طرف دیگر موقعیت کنونی جنبش کمونیستی ایران و شرایط جدید مبارزه طبقاتی و وظایف سخت و دشوار و متنوعی که مبارزه برای تحقق یک انقلاب کارگری و سوسیالیستی در دستور کار کمونیست‌ها قرار داده است، تلاش برای ایجاد وحدت در صفوف کمونیست‌های ایران را در مقابل ما قرار می‌دهد. واقعیت این است که شرایط جدید مبارزه طبقاتی در یک دهه اخیر و پدیدار شدن مولفه‌های جدید در این مبارزه که ریشه در تغییر و تحولات دو، سه دهه گذشته در ایران دارد، و از طرف دیگر تغییر و تحولات در سطح جهان، فروپاشی بلوک شرق و جهانی‌تر شدن سرمایه و میداننداری نئولیبرالیسم، مدتهاست که طیف بندی‌ها و خط و مرز کشیدنیهای سابق چپ را بی‌اعتبار کرده است، و این در حالی است که جنبش سوسیالیستی ایران علیرغم نیروی اجتماعی وسیعی که در جامعه دارد هنوز نتوانسته پاسخ واحدی را به این شرایط جدید بدهد.

تغییر مدل توسعه و رشد اقتصادی در یک دهه اخیر، پیروی از الگوی اقتصاد بازار آزاد و تلاش گسترده بورژوازی ایران برای انطباق هر چه بیشتر خود با نیازهای نئولیبرالیسم اقتصادی در سطح جهان که با هدف پاسخگویی به نیازهای سرمایه‌داری ایران انجام می‌گیرد ما را در برابر وضعیت جدیدی قرار داده است. این تغییرات که از پشتیبانی بخشهای مختلف بورژوازی ایران چه در حاکمیت و چه در درون اپوزیسیون برخوردارند تنها به پروسه خصوصی‌سازی‌ها، بیکارسازی‌های وسیع، به عقب راندن مطالبات کارگران و تحمیل شرایط فلاکت‌بار اقتصادی به کارگران و توده‌های تحت ستم جامعه و عمیق‌تر

کردن شکافهای طبقاتی محدود نمی شود.

بورژوازی ایران با پشت بستن به یکه تازی نئولیبرالیسم در جهان بعد از جنگ سرد و از طرف دیگر با بهره گرفتن از سرکوب نیروهای چپ و بیحقوقی سیاسی مطلق که به آنان تحمیل شده است توانسته فضای فکری جامعه را تحت تاثیر افکار خود قرار دهد.

اکنون جنبش کارگری و سوسیالیستی در ایران برای پیشروی خودش تنها با رژیم جمهوری اسلامی بعنوان حامی و حافظ نظام سرمایه داری و دستگاههای سرکوب این رژیم روبرو نیست بلکه با کل طبقه بورژوازی ایران روبرو است که در جهت انطباق دادن خود با نیازهای نئولیبرالیسم اقتصادی در سطح جهان تلاش می کند که همه جنبش های اجتماعی در جامعه را به زیر کنترل خود درآورد و مطالبات این جنبش ها را از ماهیت انقلابی تهی کند و آنها را به بیراهه بکشاند.

این تغییرات زمینه ساز عروج اپوزیسیون لیبرال ایران بوده است که با افزایش پرچم جمهوری خواهی لائیک و برقراری یک نظام پارلمانی می خواهد راه حل های خودشان را برای خاتمه دادن به بحران موجود ارائه دهد. اینها که تا دیروز استراتژی اصلاح جمهوری اسلامی از طریق پشتیبانی از اصلاح طلبان حکومتی را تعقیب می کردند، بدنبال شکست اصلاح طلبان در حکومت، اینروزها با انکا به بی حقوقی سیاسی و اجتماعی مفروطی که جمهوری اسلامی طی بیش از دو دهه گذشته به مردم ایران تحمیل کرده است ، با تاکید کردن بر لائیک بودن نظام سیاسی مورد نظرشان و آزادیهای سیاسی می خواهند خودشان را بعنوان تنها آلترناتیو در دسترس برای شکل دادن به آینده سیاسی ایران مطرح کنند.

لیبرالیسم بورژوازی تلاش می کند تا تمام معضلات اجتماعی در جامعه، بیحقوقی کارگران، ستمگری بر زنان، فقدان آزادی های سیاسی، بیحقوقی فردی و اجتماعی جوانان، ستمگری بر ملتها و تمام مصائب و دیگر اجتماعی را با تقابل سنت و مدرنیته توضیح دهد. لیبرالیسم بورژوازی می خواهد از این راه مدرنیته را ایده آلیزه کند و تمام بیحقوقی های سیاسی و اجتماعی در جامعه را به حساب حاکمیت جمهوری اسلامی بنویسد نه مناسبات اقتصادی سرمایه داری که جمهوری اسلامی حامی و حافظ آن بوده است، تا بلکه از این راه بتواند با جایگزین کردن جمهوری اسلامی با یک جمهوری لائیک و یا دمکراسی

پارلمانی مورد نظرش، نظام استثمارگرانه سرمایه‌داری در ایران را از زیر ضرب انقلاب رها سازند و تحمیل شرایط کار بردگی مزدی را به توده عظیم مزدبگیران جامعه نداوم بخشد. جنبش سوسیالیستی ایران نه تنها در مبارزه برای سرنگونی جمهوری اسلامی بلکه همچنین در نقد سوسیالیستی آترناتیو لیبرالیسم بورژوازی ایران است که می‌تواند راه پیشروی انقلاب کارگری را هموار کند. باید انویک بودن وزیانبار بودن استراتژی لیبرالها را نشان داد. باید نشان داد که در ایران امروز بدون تعرض به پایه های اقتصادی نظام سرمایه داری نمی‌توان از تامین و نهادینه کردن آزادی‌های سیاسی و مدنی در جامعه سخن به میان آورد.

پرداختن به این مسائل و نقد لیبرالیسم بورژوایی در همه عرصه‌های مبارزه طبقاتی ارکان یک استراتژی کارگری و سوسیالیستی است. ما بسهم خود برای متحد کردن صف همه نیروها، محافل و افرادی که امر خود را خدمت به متشکل کردن کارگران، نقد سوسیالیستی آترناتیو و راهکارهای لیبرالیسم بورژوایی و گستراندن افق سوسیالیستی بر جنبش‌های اجتماعی و تحقق انقلاب کارگری و استقرار یک جامعه سوسیالیستی قرار داده اند می‌کوشیم.

در همین راستا ما به منظور بحث و تبادل نظر بر سر مهمترین مسائل مبارزه طبقاتی و موانع و مشکلاتی که سر راه پیشروی جنبش کارگری و سوسیالیستی قرار دارد برگزاری جلسات و سمینارهای مشترک با این نیروها را در دستور کار خود قرار می‌دهیم. بدیهی است که ایجاد هم‌نظری بر سر این مسائل زمینه وحدت عمل و همکاری‌های فشرده‌تر و گسترده‌تری را فراهم مینماید و سرانجام زمینه را برای فروریختن مرزها و دیوارهای تشکیلاتی و تامین وحدت گسترده‌تر کمونیستهای ایران فراهم می‌نماید.

تیرماه ۱۳۸۳

ژوئیه ۲۰۰۴